



## راه ناتمام تاریخ نگاری

• حبیب‌اله اسماعیلی

- آیین نگارش تاریخ
- رشید یاسمی
- تهران، مؤسسه وعظ و خطابه، ۱۳۱۶، ۱۴۴ صفحه



- روش تحقیق در تاریخ نگاری
- جهانگیر قائم مقامی
- تهران، انتشارات دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۸، ۱۴۴ صفحه

- اگر بازآفرینی زمان ماضی ممتنع نباشد، این فرایند چگونه محقق و ممکن می‌شود؟  
 - در صورت تحقق بازآفرینی آیا همه گذشته احیا می‌شود یا بخشی از آن؟  
 - در صورتی که بخشی از عناصر سازنده روزگار پیشین در دسترس مورخان باشد، اصطلاح پرابهام بازآفرینی را چگونه می‌توان در مورد عمل مورخان به کار گرفت؟  
 - اگر همه گذشته از شمول بازآفرینی خارج است، کدام بخش از گذشته بازآفرینی می‌شود؟  
 - ظاهراً مورخ مهم‌ترین نقش را در فرایند بازآفرینی بازی می‌کند، او چه وصفی باید داشته باشد و چگونه به خلق دوباره تاریخ دست می‌یازد؟  
 - به فرض توفیق مورخان در کارشان، سنجش و داوری در مورد ادعاهای ایشان چگونه ممکن است؟  
 - و....

مورخان همواره در کار بازآفرینی تاریخند، لیکن در حد مقدرات و ممکنات. بر این اساس، مورخان در پژوهش‌های حرفه‌ای خویش به درانداختن طرحی مشغول می‌شوند که در نهایت به پدید آمدن نزدیک‌ترین تصویر از واقعیات گذشته در افق امروز منجر می‌شود. ژرف‌کاوی‌های بی‌پایان مورخان برای بازآفرینی گذشته، جدا از آن که خود نیز بخشی از تاریخ بشر محسوب می‌شود، در زمره معارف و علوم پذیرفته شده آکادمیک نیز به شمار می‌رود. نتایج کار مورخان همواره به دلیل لذت و صف‌ناپذیری ناشی از آگاهی به گذشته خود و دیگران و همچنین فراهم ساختن عناصر هویت بخش، مخاطبانی پرتعداد داشته و دارد.  
 بازآفرینی گذشته که به ناچار داغ امروز بر پیشانی دارد، زمینه‌ساز جوانه زدن پرسش‌هایی همانند پرسش‌های زیر در ذهن است:  
 - آیا وقایع معدوم قابل بازآفرینی و احیاست؟

این پرسش‌ها و پرشمار پرسش‌های دیگر، همواره امکان طرح شدن داشته‌اند و دارند و هم اینجاست که جست‌وجوهای تاریخ‌پژوهان و ژرف‌کاوی‌های ایشان در این عرصه واجد اهمیت و ارزش می‌شود. به همین سبب، بسیاری از اصحاب تاریخ، تناور شدن دانش تاریخ را معطوف به بسط و تعمیق نظروزی اهل نظر در این باب می‌دانند.

نوشتار حاضر نه بضاعت خود را در حد یافتن پاسخ در این باب می‌داند و نه فرصت ضیق آن امکان چنین چیزی را فراهم می‌سازد. رخصت حاصل از فرصت این سطور، نگارنده را واداشت که با گزینش ۳ پرسش از میان پرسش‌های مقدر، پاسخ خود را در ۲ متن ارزشمند منتشره در باب تاریخ و روش پژوهش و تحقیق تاریخ بیابد. فرض مبنایی نوشتار حاضر این بوده است که بازآفرینی تاریخ توسط مورخان پذیرفتنی است و برای گام زدن در این عرصه، دست کم ضرورت وجود سه مؤلفه را باید پذیرفت:

۱ - مورخ ۲ - شواهد تاریخی ۳ - طرح و ایده مورخ.  
با توجه به سه مؤلفه یادشده، به نظر می‌آید سه پرسش زیر قابل طرح باشد:

۱ - مورخ کیست و چه ویژگی‌هایی موجب می‌شود که فرد واجد این صفت شود؟

۲ - بدیهی است که بخش کوچکی از گذشته بشر به کمک شواهد تاریخی قابل شناخت است. این شواهد چیست و داوری و سنجش درباره آنها چگونه ممکن می‌شود؟

۳ - آیا مورخان به صورتی توده‌وار از شواهد تاریخی بهره می‌جویند یا از میان انبوه شواهد، و بر اساس طرح ذهنی خویش، آنچه را مناسب ایده خود می‌یابند گزینش می‌کنند و در فرایند بازآفرینی تاریخ از آن بهره می‌جویند؟

نگارنده واقف است که حتی جست‌وجوی پاسخ برای پرسش‌های تقلیل یافته بالا، کاری صعب است و از بضاعت یک نوشتار کوتاه خارج، لذا، ارائه گزارشی از دیدگاه‌های مندرج در دو کتاب زیر، در باره پرسش‌های بالا پی گرفته شده است. این دو کتاب عبارتند از:

- ۱ - آیین نگارش تاریخ تألیف استاد رشید یاسمی
- ۲ - روش تحقیق در تاریخ‌نگاری نوشته دکتر جهانگیر

مورخان همواره در کار بازآفرینی تاریخند، لیکن در حد مقدمات و امکانات. بر این اساس، مورخان در پژوهش‌های حرفه‌ای خویش به درانداختن طرحی مشغول می‌شوند که در نهایت به پدید آمدن نزدیک‌ترین تصویر از واقعیات گذشته در افق امروز منجر می‌شود

#### قائم مقامی

کتاب‌های یادشده از این جهت واجد اهمیت شمرده شده‌اند، که به‌رغم انتشار آنها با فاصله حدود چهل سال از یکدیگر توسط دو مرکز دانشگاهی و آموزشی، همواره مورد توجه استادان درس روش تحقیق بوده‌اند و از دیگر متون منتشره در این باب مهم‌تر شمرده شده‌اند. در این نوشتار، با کاوشی کوتاه در مورد محتوای هر دو کتاب و در حد وسع، به پاسخ‌های دریافت شده از آثار هر یک از مؤلفان اشاره می‌شود.

\*\*\*

#### آیین نگارش تاریخ

آیین نگارش تاریخ، تألیف مرحوم استاد رشید یاسمی، در مهر ماه ۱۳۱۶، با مقدمه‌ای از مرحوم استاد بدیع‌الزمان فروزانفر توسط مؤسسه وعظ و خطابه انتشار یافته است. چنان که از مقدمه کتاب برمی‌آید، مرحوم یاسمی این کتاب را به عنوان رساله دکتری، به منظور نائل شدن به مرتبه استادی در دانشگاه تهران، تألیف کرده است. آیین نگارش تاریخ نخستین کتابی است که توضیحات مرتبط با دانش تاریخ و روش تحقیق در این عرصه را مطرح کرده است. کتاب گرچه حدود ۷۰ سال پیش نوشته شده است و تأثیر نظریات مرتبط با علوم انسانی در آن ایام را، می‌توان در کتاب مشاهده کرد، لیکن در بسیاری از بخش‌ها، از جمله مواردی که مورد نظر این نوشتار است، سخن فراوان و شنیدنی دارد. خواننده‌ای که به این کتاب مراجعه می‌کند، ابتدا

**مرحوم یاسمی برای تاریخ دو معنای متفاوت قائل است: یکی علم به حوادث گذشته بشر و دیگری علم به قوانین حاکم بر این حوادث؛ که مورد اول تاریخ به معنی خاص و مصطلح و دومی فلسفه تاریخ یا علم الاجتماع است**

با تعریف تاریخ مواجه می‌شود که به تعبیر مرحوم یاسمی «تاریخ تاریک و فلسفه آن تاریک در تاریک است»<sup>۱</sup>. مرحوم یاسمی معتقد است که به دلیل نوشته نشدن «تاریخ انتقادی» ایران، این رشته از معارف بشر، در کشور ما، وضعیت نابسامان تری نسبت به بقیه دنیا دارد.<sup>۲</sup> استاد یاسمی در فصل اول کتاب ما را با چگونگی کشف قوانین اجتماعی و تاریخی آشنا می‌کند، که البته امروزه این دیدگاه پیرو چندانان ندارد. ایشان روش رسیدن به این قوانین را استقراء می‌داند و برای اثبات مدعای خود، از قواعد منطق ارسطویی یاری جسته و پس از نقد و تحلیل دیدگاه‌های موافق و مخالف، نهایتاً نتیجه می‌گیرد که اگر در چند واقعه جزئی به‌درستی دقت و مراقبت شود، قانون حاکم بر آن مشکوک و علیت ثابت می‌شود.<sup>۳</sup>

نویسنده در ادامه این بحث، به انواع قوانین اجتماعی اشاره می‌کند که به‌زعم وی، به دو دسته مجتمعه یا مربوط به زمان حال و متعاقب یا مربوط به گذشته تقسیم شده است.<sup>۴</sup> البته ایشان خواننده را به این نکته متوجه می‌کنند که در حال حاضر این قوانین بیشتر در شمار ظن و حدس است و تحقیقات قرون آینده امکان تبدیل آنها به امور یقینی را فراهم خواهد ساخت.<sup>۵</sup>

مرحوم یاسمی در ادامه بیان می‌دارد تاریخ دو معنای متفاوت دارد: یکی علم به حوادث گذشته بشر و دیگری علم به قوانین حاکم بر این حوادث؛ که مورد اول تاریخ به معنی خاص و مصطلح و دومی فلسفه تاریخ یا علم الاجتماع است.<sup>۶</sup>

در ادامه این بخش، دیدگاه مرحوم یاسمی در باب معرفت تاریخی که آن را معرفتی باواسطه می‌داند، آمده است. ایشان معتقد است: «حوادث ماضی را شخص نمی‌تواند مستقیماً مورد مشاهده و تجربه قرار دهد، محتاج به گواهی و شهادت می‌شود و از اینجاست که اسلوبی پیدا شده مخصوص تاریخ و آن را

**اسلوب اخبار و شهادات باید نامید»<sup>۶</sup>.**

نویسنده در این مبحث، با اشاره مختصر به دیدگاه‌های فلسفی اروپاییان و همچنین استفاده از اصول مندرج در علم درایة‌الحدیث (مصطلح‌الحدیث) اصلی‌ترین مباحث کتاب در باب شواهد تاریخی را ارائه می‌کند و به نظر می‌آید مباحث این بخش به تأثیر از مقدمه ابن‌خلدون نوشته شده باشد. از این بخش کتاب به بعد، که در واقع بخش اصلی و محققانه کار مرحوم یاسمی است و خواننده با اصول مرتبط با نقد روایات و اخبار تاریخی آشنا می‌شود، نویسنده به یاری جستن از مباحث معمول در علم «درایة‌الحدیث» و شیوه‌های ترجیح و تعدیل و نقد روایات اشاره کرده است. در بخشی که بعد از این مباحث جای گرفته است، خواننده با اصول «انتقاد تاریخی» که تعمیم یافته اصول نقد ادبی در مباحث تاریخی است آشنا می‌شود.<sup>۷</sup>

در کتاب سه اسلوب: ترجیح، یعنی رجحان از حیث سند و سلسله روایان، ترجیح به روایت یعنی رجحان نحوه ثبت و ضبط و میزان دقت در نقل و ترجیح به ساختار متن و صحت عبارات، توضیح داده شده است.<sup>۸</sup> به‌رغم همه توضیحات ذکر شده، مرحوم یاسمی به نقل از ابن‌خلدون می‌آورد که:

«اگر فقط به منقولات... اکتفا شود و ریشه عادات و قواعد سیاست و طبیعت عمران و احوال جامعه انسانی را مورخ نداند... از لغزش ایمن نخواهد گشت و اکثر بزرگان به سبب اعتماد به مجرد نقل از جاده صدق خارج شده‌اند».<sup>۹</sup>

در ادامه این مباحث، نویسنده صاحب‌رأی آیین نگارش تاریخ، در حوزه‌های منطق و معرفت‌شناسی گام نهاده و با ذکر آراء تنی چند از فیلسوفان، دلایل خود را در رد آراء کسانی که تاریخ را دروغ و در زمره وهمیات می‌شمردند و قضایای تاریخ را یقین آور نمی‌دانند، ارائه کرده است.<sup>۱۰</sup>

در ادامه، بهره‌گیری مورخ از علوم که اصطلاحاً علوم کمکی تاریخ خوانده می‌شوند، یادآوری شده و از دانش‌هایی مانند: قوم‌شناسی، جغرافیا، زمین‌شناسی، انسان‌شناسی، خط‌شناسی، زبان‌شناسی، فقه‌اللغه، کتیبه‌شناسی، سکه‌شناسی، سندشناسی و تاریخ‌شناسی نام برده است.<sup>۱۱</sup>

در دیگر بخش کتاب، خواننده با اصول نقد تاریخی آشنا می‌شود و بعد از توضیحات مفصل در باب نقد ظاهری و باطنی یا فرم و محتوا، از راه‌حل‌های عملی برای نقد نیز آگاهی می‌یابد. به نظر مرحوم یاسمی، محقق باید دو جدول برای نقد تهیه

کند؛ در جدول اول به سؤالاتی مرتبط با مؤلف، موقعیت علمی، موقعیت اجتماعی، منافع و اغراض و عوامل دقت یا اشتباه او پاسخ داده شود و در جدول دوم، راجع به ویژگی‌های طبیعی نوع انسان، عوامل مؤثر بر درک درست یا نادرست آدمی و... پرسش‌هایی از این دست پاسخ داده شود و در نهایت این پرسش‌ها با متن مورد نظر، برای نقد تطبیق داده شود<sup>۱۲</sup>.

یکی از مباحثی که مرحوم یاسمی، قبل از پایان این بخش، به آن پرداخته است، توضیح در باب تصورات و تصدیقات تاریخی و چگونگی نفوذ اشتباه در هر یک از این دو مقوله است و قواعدی را برای ارزیابی تصدیقات تاریخی بیان می‌کند. از جمله این قواعد بی‌ارزش بودن تصدیق مخبری است که شخصاً از حادثه‌ای تاریخی اطلاع نیافته است، ابطال‌پذیر بودن امور یقینیات تاریخی، قابل اعتماد نبودن خبر واحد، تکیه بر خبر قوی در مقابل ضعیف، و...

مرحوم یاسمی معتقد است «باید انقلابی در افکار مورخین حاصل شود و تا صدق خبری معلوم نشود، آن را نقل نکنند، مگر از روی شک و تردید»<sup>۱۳</sup>.

خواننده کتاب آیین نگارش تاریخ، در فصل سوم با مبحث تدوین تاریخ مواجه می‌شود. در این فصل، نویسنده وجه تمایز تاریخ را با علم به معنای مصطلح آن یعنی science توضیح داده است. نویسنده متذکر می‌شود که میدان عمل مورخ امور ذهنی است، زیرا حقایق تاریخی یک بار از ذهن راوی و دیگر بار از ذهن مورخین می‌گذرد. مورخ با آگاهی به این موضوع، دست به تدوین تاریخ می‌زند و در مواردی که شواهد و اسناد ساکت هستند، با قدرت تعقل، قیاس و استدلال خویش بنایی را که طراحی کرده است، می‌سازد. در این بخش نیز، مرحوم یاسمی برای راهنمایی خوانندگان، توصیه می‌کند برای موفقیت در تدوین تاریخ جداولی را تنظیم کنند و مطالب مربوط به کار خود را در قالب مقوله‌هایی همانند: وضعیت مادی، احوال اقتصادی، نهادهای اجتماعی، عرصه‌های فرهنگی، اوضاع سیاسی دوره تاریخی مورد نظرشان دسته بندی و ارائه کنند.<sup>۱۴</sup>

دیگر بخش‌های کتاب به مباحثی که امروزه فلسفه نظری تاریخ خوانده می‌شود، اختصاص دارد و در این صفحات نویسنده به موضوعاتی همانند جستجوی علل فاعلی حوادث تاریخی، نقش قهرمانان در تاریخ، ویژگی‌های عمومی تاریخ بشری و در نهایت غایات حوادث تاریخی پرداخته است.

### اگر فقط به منقولات... اکتفا شود و ریشه عادات و قواعد سیاست و طبیعت عمران و احوال جامعه انسانی را مورخ نداند... از لغزش ایمن نخواهد گشت و اکثر بزرگان به سبب اعتماد به مجرد نقل از جاده صدق خارج شده‌اند

مرحوم یاسمی در کتاب ارزشمند خود به شایستگی از عهده ارائه نخستین مباحث دانشگاهی مرتبط با آداب تحقیق تاریخی برآمده است. به‌رغم گذشت حدود هفتاد سال، علاوه بر فضل تقدم در ارائه بحث، بسیاری از مطالب کتاب هنوز هم قابل استفاده است. در باب سه پرسش مورد نظر این نوشتار نیز، وی مورخ را کسی دانسته است که با داشتن روحیه نقادانه دست به بازسازی و تدوین تاریخ می‌زند و برای سنجش شواهد، علاوه بر استفاده از سنت علمی رایج در درایة‌الحديث، مورخ را به دانش‌های جدید نیز نیازمند می‌داند، در نهایت این که، با راهنمایی مورخان، تهیه جداول مرتبط با پدیده‌های تاریخی و داشتن طرح و ایده را در شمار ملزومات کاری مورخان دانسته است.

#### روش تحقیق در تاریخ نگاری

روش تحقیق در تاریخ‌نگاری مرحوم جهانگیر قائم مقامی، به سال ۱۳۵۸، توسط انتشارات دانشگاه ملی ایران (شهید بهشتی) منتشر شده است. آن چنان که از مقدمه کتاب برمی‌آید، این کتاب برای راهنمایی دانشجویان در انجام تکالیف درسی و تهیه پایان‌نامه‌های تحصیلی نوشته شده است.

خواننده از قرائت مقدمه کتاب که به سال ۱۳۵۶ نوشته شده است، درمی‌یابد در فاصله حدود چهل سال، یعنی ۱۳۱۶ (سال انتشار آیین نگارش مرحوم شهید یاسمی) تا ۱۳۵۶، متن دانشگاهی دیگری در باب روش تحقیق در تاریخ نوشته نشده است. این کتاب به جهت آن که همانند کتاب مرحوم یاسمی به عنوان متن آموزشی منتشر شده است و مخاطبانش را میان دانشجویان تاریخ جست‌وجو می‌کند، شایسته توجه و تدبّر است.

**قائم‌مقامی کوشندگان عرصه  
تاریخ‌نگاری را به سه گروه وقایع‌نگار،  
محقق و مورخ تقسیم می‌کند. او  
وقایع‌نگار را کسی می‌داند که به دستور  
یا به خاطر کسی تاریخ می‌نویسد و  
توجهی نیز به علل و نتایج وقایع ندارد**

خواننده روش تحقیق در تاریخ، ابتدا خود را با تعریف پژوهش مواجه می‌بیند که از آن با تعبیر «شناخت حقایق» یاد شده است. در ادامه همین تعریف، پژوهش با سه صورت گذشته‌نگر یا تاریخی، توصیف‌کننده وضع موجود و آینده‌نگر یا برنامه‌ریزانه معرفی می‌شود. مرحوم قائم‌مقامی تحقیق تاریخی را، تحقیق درباره گذشته به همان صورتی که بوده است معرفی می‌کند و متذکر می‌شود در تحقیق تاریخی باید: «سیر تحولات، مسائل و علل وقوع هر یک از تحولات و روابط آنها با دیگر مسائل و رویدادها... در نظر گرفته شود... و سرانجام، یک استنتاج منطقی از مجموع بررسی‌ها به عمل آید»<sup>۱۵</sup>.

در ادامه، نویسنده کوشندگان عرصه تاریخ‌نگاری را به سه گروه وقایع‌نگار، محقق و مورخ تقسیم می‌کند. او وقایع‌نگار را کسی می‌داند که به دستور یا به خاطر کسی تاریخ می‌نویسد و توجهی نیز به علل و نتایج وقایع ندارد. محقق به تعریف قائم‌مقامی، فردی است که با هدف نوشتن یک کتاب، رساله یا مقاله، گوشه‌ای از تاریخ را تجزیه و تحلیل می‌کند و علل حوادث را آنچنان که بوده است، تبیین می‌نماید. و در نهایت، مورخ کسی است که از فراز تاریخ با احاطه به فلسفه‌های تاریخ، کلیه اسناد و مدارک را در چشم‌اندازی وسیع در مورد یک قوم، ملت و حتی جهان می‌سنجد و حاصل کار خود را در قالب یک یا چند جلد کتاب منتشر می‌کند. قائم‌مقامی مهم‌ترین ویژگی مورخ را بی‌طرفی می‌داند.

در این کتاب، بعد از تعاریف مقدماتی یادشده، قائم‌مقامی فرایند یک تحقیق را در هشت مرحله تشریح می‌کند. هشت مرحله یادشده عبارتند از: انتخاب موضوع، عنوان تحقیق، طرح مقدماتی، گردآوری مواد تحقیق، تصفیه، تعیین مسأله، تحلیل اطلاعات، طرح نهایی و نهایتاً تألیف و نگارش<sup>۱۶</sup>.

نویسنده، در مورد هر هشت مرحله، مطالب خود را ارائه می‌کند، که در اینجا به‌طور خلاصه به آن اشاره می‌کنیم. قائم‌مقامی در مورد موضوع تحقیق توصیه می‌کند موضوع تحقیق علاوه بر تازگی و کلی نبودن بایستی به گونه‌ای انتخاب شود که در اجرا با مانع مواجه نشود و عنوان تحقیق نیز جانب‌دارانه نباشد. در «طرح مقدماتی»، محقق پرسش‌های اولیه خود را طرح می‌کند و البته در این فرایند با مشکلات و همچنین انتظارات مرتبط با پژوهش خود آشنا می‌شود. سپس، سومین وظیفه محقق یعنی گردآوری اطلاعات آغاز می‌شود. در پژوهش‌های تاریخی، هر آنچه بتواند اطلاعاتی را به محقق منتقل کند، بایستی مورد توجه قرار گیرد و در این مسیر از اطلاعات دیگر دانش‌ها، خواه علوم محض باشد یا دانش‌هایی همانند باستان‌شناسی، خط‌شناسی، سندشناسی، زبان‌شناسی، گاه‌شماری، جغرافیا، ادبیات و جامعه‌شناسی و... نیز بهره جوید. البته بعد از گردآوری اطلاعات، محقق متناسب با طرح تحقیق خود، دست به گزینش نیز می‌زند که مرحوم قائم‌مقامی از آن با عنوان «تصفیه» یاد کرده است و با نقل نکاتی از کتاب مرحوم یاسمی و همچنین مقدمه ابن‌خلدون، مطالبی همانند «ترجیح به سند» و «ترجیح به راوی» را به صورتی خلاصه توضیح می‌دهد. در پایان این بخش، ذکر شده است که، پس از پایان مرحله تصفیه، محقق مطالبی را باید گزینش کند که:

- مربوط به موضوع باشد.
  - از تمامی منابع موجود، در حد امکان، برای شناخت آنها استفاده شده باشد.
  - خالی از عقاید شخصی و اغراض فردی باشد<sup>۱۷</sup>
- گرچه امروز بسیاری از فیلسوفان علم معتقدند، اساساً انسان بدون «مسأله» به سراغ هیچ پژوهش و تحقیقی گام بر نمی‌دارد، اما مرحوم قائم‌مقامی آن را پنجمین مرحله پژوهش معرفی می‌کند. وی بر این باور است که مسأله اصلی پژوهش، «محور اصلی و مشترک بین جنبه‌های موضوع» است؛ به رغم آن که می‌گوید مسأله گاه عامل اصلی و گاه یکی از علل به وجود آمدن موضوع تحقیق است. ایشان در خاتمه همین فصل، مجدداً تأکید می‌کند که بدون احاطه و تبحر در اطلاعات استخراج شده برای تحقیق، امکان تعیین مسأله وجود نخواهد داشت<sup>۱۸</sup>.
- ششمین مرحله یک پژوهش تاریخی از نظر مرحوم قائم‌مقامی تحلیل است، که باید در فرایند تحلیل به سه نکته «متن واقعه، علل وقوع و روابط آن با دیگر وقایع و نتایج واقعه» باید

در نظر گرفته شود. همچنین، محقق باید متوجه باشد که «واقعۀ و رویداد را از نو بسازد... و هر اندازه این پیکره به واقعیت شبیه‌تر باشد... کشف علل وقایع آسان‌تر خواهد بود»<sup>۱۹</sup>.

خواننده در این بخش، درمی‌یابد که به دلیل قابل‌رؤیت نبودن موضوع تحقیق، محقق تاریخ به ناچار از راه استدلال و با به‌کارگیری عقل خویش، به علل و عوامل دست می‌یابد. مرحوم قائم‌مقامی برای توضیح این موضوع، به استدلال‌های دکارت و کانت اشاره می‌کند و نهایتاً روش هگل را ترجیح می‌دهد و درباره برآیند حاصل از ترکیب تز و آنتی‌تز و سنتز یا نهاد، برابر نهاد و هم‌نهاد در فرایند تجزیه و تحلیل و استدلال و تحقیق تاریخی، توضیح کاملی ارائه می‌دهد.<sup>۲۰</sup>

پس از پایان این مرحله، محقق به عرصه تهیه طرح نهایی و تکمیل طرح مقدماتی خویش وارد می‌شود و در آخرین بخش نیز، دست به نگارش و تألیف می‌زند که در این بخش از کتاب، مرحوم قائم‌مقامی به تشریح علائم سجاوندی پرداخته و اسلوب نگارش و ارجاعات و استنادات را به تفصیل بیان کرده است. نتیجه فصول هشت‌گانه در سه نکته نهایی توضیح داده شده است، که به باور مرحوم قائم‌مقامی، ویژگی‌های یک تحقیق خوب و علمی است. از نظر مرحوم قائم‌مقامی یک تحقیق خوب از نظر روش تحقیق، نگارش و رویکرد فلسفی موجود در کار باید برجسته باشد و شاهدهی باشد براین که مورخ با آزاد شدن از شرایط محیطی، پرهیز از وقایع‌نگاری صرف و توجه علل و عوامل حوادث تاریخی، برای جغرافیا، اقتصاد و فرهنگ و به ویژه اجتماع، در فرایند تاریخ‌امیتی ویژه قائل شده است.<sup>۲۱</sup> ضمائم و پیوست‌های کتاب نیز عبارتند از: منابع مکتوب و غیرمکتوب تاریخ‌نگاری، گاه‌شماری و روش تبدیل تقویم‌ها به یکدیگر.

با توجه به مطالبی که در توصیف این کتاب آمد، عملاً دیدیم که قائم‌مقامی به سه پرسش موضوع این نوشتار پاسخ داده است. وی مورخ را فردی با دانش وسیع معرفی می‌کند که با احاطه به مباحث نظری تاریخ، به تحقیق تاریخی می‌پردازد؛ قائم‌مقامی، همچنین، شواهد تاریخی را شامل هر چیزی که اطلاعاتی از گذشته منتقل کند، می‌داند و روش سنجش را هم به‌کارگیری ترجیح و تعدیل. او همچنین داشتن طرح را برای پژوهش از ملزومات می‌شمارد.

نکته پایانی این که، گرچه فرصت ضیق این نوشتار تدقیق در آراء آمده در دو کتاب را ناممکن کرد، اما دیدیم که هر دو

استاد مسلم تاریخ، به‌زعم خویش، مطالبی آورده‌اند که می‌توان آنها را در شمار پاسخ‌های مرتبط با پرسش‌های این نوشتار در نظر آورد.

کاوش‌های نگارنده در هنگام آماده کردن این سطور، او را به قول بسیاری از صاحب‌نظران واقف کرد که: دانش تاریخی امروز ایران با فقر مباحث نظری مرتبط با علم تاریخ روبه‌روست. انتشار دو کتاب توسط دو مرکز دانشگاهی به فاصله نزدیک به چهل سال، البته با آثار متعدد منتشر شده در بعد از انقلاب اسلامی و خصوصاً در سال‌های اخیر، قابل مقایسه نیست، لیکن جای سخن در این عرصه بسیار است و غوطه‌وری اصحاب بینش و بصیرت تاریخی را می‌طلبد.

#### پی‌نویس‌ها:

- ۱ و ۲ - آئین نگارش تاریخ؛ ص الف و ص ب مقدمه.
- ۳ - همان؛ ص ۷.
- ۴ - همان؛ ص ۸.
- ۵ - همان؛ ص ۱۰.
- ۶ - همان؛ ص ۱۲.
- ۷ - همان؛ صص ۲۰-۱۵؛ و برای آشنایی بیشتر با این مباحث، به کتب مرسوم درایة‌الحديث و از جمله «علم‌الحديث و درایة‌الحديث کاظم کدیور شانه‌چی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۲ شمسی.
- ۸ - همان؛ ص ۱۸ و ص ۱۹.
- ۹ - همان؛ ص ۲۰.
- ۱۰ - همان؛ صص ۳۹-۲۵.
- ۱۱ - همان؛ ص ۴۰.
- ۱۲ - همان؛ ص ۶۸ و ص ۶۹.
- ۱۳ - همان؛ ص ۸۳.
- ۱۴ - همان؛ ص ۸۶-۱۰۷.
۱۵. روش تحقیق در تاریخ‌نگاری، ص ۷ و ۸.
- ۱۶ - همان؛ ص ۱۰.
- ۱۷ - همان؛ ص ۲۰ تا ص ۳۰.
- ۱۸ - همان؛ صص ۳۳-۳۱.
- ۱۹ - همان؛ ص ۳۵.
- ۲۰ - همان؛ صص ۴۷-۴۰.
- ۲۱ - همان؛ ص ۷۵.